

Investigating the status of documentary photography and its applications in the Nasser era

Mohammad Amir Ahmadzadeh*

Abstract

Nasser al-Din Shah's interest in the emerging phenomenon of photography, which was the achievement of Western civilization, led to the rise of photography. The first subjects of the king's photography were the women of the shrine and the courtiers, and the first photographers were the king, the courtiers and a number of foreign photographers. The departure of the monopoly of photography from the court became one of the reasons for paying attention to various subjects such as subjects, nature and animals. On the other hand, the Shah's desire to photograph pure and improvised subjects led to a shift to documentary photography. Since then, photography has continued in both portrait and documentary forms. In addition to capturing pure and improvised images, documentary photography was also used in video reporting and journalism. The photographs used in journalism, as well as the photographs taken for the purpose of visual reporting, have been able to find an important citation position over time. The purpose of this research is to use a descriptive-analytical method to explain why documentary photography was used and its applications during the reign of Nasser al-Din Shah. Findings of the research show that Shah's attention and interest caused others to pay attention to

* Assistant professor of history, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,
ahmadzadeamir20@yahoo.com

Date received: 3/3/2022, Date of acceptance: 20/5/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲ پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

photography, especially documentary photography by some photographers. Photographs and albums left over from that period show progress in this area.

Keywords: Nasreddin Shah, Camera, Photographer, Documentary, Video Report.



نگاهی به اهمیت عکاسی مستند و کاربردهای آن در ایران دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳.ق)

محمد امیر احمدزاده*

چکیده

مسئله پژوهش پیش رو، بررسی علل و چرایی ترویج و توجه به عکاسی مستند در ایران دوره ناصرالدین شاه است. در این راستا، ضمن کاربست رویکرد و روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد مهم موجود در آرشیوهای کتابخانه ملی و گنجینه اسناد، به بحث در باب چرایی روی آوردن به عکاسی مستند و کاربردهای آن خواهیم پرداخت. دستاورد بحث نشان می‌دهد که اگرچه علاقه ناصرالدین شاه به پدیده نوظهور عکاسی، سبب رونق عکاسی به مثابه یک وجه از مدرنیزاسیون در ایران شد و نخستین سوژه‌های عکاسی شاه، زنان حرم‌سرا و درباریان و اولین عکاسان نیز شاه، درباریان و تعدادی عکاس خارجی بودند اما بتدریج شاهد عمومی‌سازی و اجتماعی شدن عکاسی و خروج انحصار آن از دربار هستیم و این امر به عنوان یکی از دلایل توجه به سوژه‌های مختلفی نظیر رعایا، طبیعت و حیوانات و به طور خاص عکاسی مستند گردید. عکاسی به دو صورت پرتره و مستند ادامه یافت و عکاسی مستند علاوه بر ثبت تصاویر ناب و بداهه در گزارش تصویری و روزنامه‌نگاری نیز به کار رفت. عکس‌هایی که در روزنامه‌نگاری بکار رفتند و نیز تصاویری که به هدف گزارش تصویری تهیه شدند، به مرور ایام به لحاظ استنادی توانستند جایگاه مهمی برای خود بیابند که عکس‌ها و آلبوم‌های به جای مانده از آن دوره نشان از پیشرفت در این زمینه دارند.

* استادیار پژوهش‌شکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
ahmadzadeamir20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: دوره ناصرالدین شاه، دوربین عکاسی، عکس مستند، گزارش تصویری.

۱. مقدمه

چند سال پس از اختراع دوربین عکاسی، این دستگاه جدید به ایران و دربار قاجار وارد شد. توجه و علاقه ناصرالدین شاه سبب رونق یادگیری و جذب درباریان به آن گردید. در واقع، ناصرالدین شاه اولین و مهم‌ترین سوژه عکاسی در مملکت خود بود و پس از او، زنان حرم قرار داشتند.

ناصرالدین شاه به ثبت تصاویر بکر، بداهه و مستند علاقه وافری داشت. به همین دلیل در سفرهایش به عکاس باشی دستور ثبت تصاویر آنی را می‌داد، به دنبال همین علاقه هم فرمان عکاسی و گزارش تصویری از تخت جمشید و جنگ مرو را صادر نمود.

خروج عکاسی از انحصار دربار و تأسیس عکاس‌خانه‌های متعدد در تهران و برخی شهرهای دیگر، منجر به عکاسی از سوژه‌های مختلف ناشی از سلیقه عکاسان گردد. این بار عمده سوژه‌ها رعیت، طبیعت، حیوانات و بناهای تاریخی بودند. عکس‌های گرفته شده در آن زمان، به لحاظ استنادی به مرور ایام اهمیت یافتند، افزون بر آن، عکاسی هم‌گام با صنعت جلو می‌رفت.

نخستین کاربرد آن در روزنامه‌نگاری بود، تا قبل از آمدن دستگاه عکاسی تصاویر را نقاشی می‌کردند که منجر به اتلاف وقت زیادی می‌شد اما استفاده از دوربین عکاسی به چاپ روزنامه سرعت داد. کاربرد دیگر آن در بخش گزارش تصویری یا خبرنگاری بود که فرمان عکاسی از تخت جمشید و جنگ با ترکمنان مرو در همین راستا بود.

۱.۱ طرح موضوع

موضوع عکس و تاریخ‌نگاری تصویری یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهش است که از حیث تنوع بخشی و تکثر منابع معرفتی و تاریخی در ایران عصر ناصرالدین شاه، حائز اهمیت هستند. در این پژوهش کوشش می‌شود تا به بررسی جایگاه عکاسی مستند و کاربردهای آن در زمان ناصرالدین شاه پرداخته شود. اساس پژوهش پیش‌رو بر طرح این پرسش قرار دارد که؛ عکاسی مستند چگونه ایجاد شد و چه کاربردهایی داشت؟ فرضیه

نگاهی به اهمیت عکاسی مستند و کاربردهای ... (محمد امیر احمدزاده) ۵

پژوهش حاکی از آن است که توجه شاه سبب ایجاد عکاسی مستند و رونق آن گردید. اگرچه دو دستور نخست شاه، برای ثبت گزارش تصویری بی حاصل بود اما در خصوص تخت جمشید پشه، مأموریت ژول ریشار را به انجام رساند. از سویی دیگر ثبت تصاویر مستند و گزارش تصویری به سمت موضوعات دیگری نظیر مردم‌شناسی، طبیعت، حیات وحش و ... کشیده شد و رونق یافت.

۲.۱ پرسش‌ها

پرسش‌های مطرح شده در ابتدای پژوهش حاضر عبارتند از؛ جایگاه عکس و عکاسی در دربار ناصرالدین شاه چیست؟. مهم‌ترین موضوعات و مسئله‌های محل طرح و پردازش در عکاسی مستند چه بوده است؟. و چه کارکردهای را می‌توان برای عکس مستند در جامعه ایران نیمه دوم قرن نوزدهم ترسیم کرد؟

۳.۱ روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس چارچوب تحلیل تاریخی (Historical Analysis) پیش می‌رود. در این الگوی پژوهش، ضمن گردآوری منابع و داده‌های تاریخی به تجزیه و تحلیل، انطباق و گزینش اسناد در بستری تاریخی پرداخته می‌شود.

۴.۱ پیشینه پژوهش

در زمینه تاریخ عکاسی ایران تا کنون پژوهش‌های متعددی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه نوشته شده است، اما در زمینه مستندنگاری و گزارش تصویری تاکنون پژوهش مجزا و مستقلی صورت نگرفته است. فقط به صورت پراکنده و محدود در منابع مختلف آمده است، در ادامه سعی می‌شود به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این خصوص پرداخته شود:

استاین، (۱۳۶۸)، در کتاب «سرآغاز عکاسی در ایران»، تاریخ ورود عکاسی به ایران را شرح داده است. مؤلف مراحل پیدایش عکاسی در ایران را به رشته تحریر درآورده و سپس به معرفی پیشگامان و مروجان عکاسی در ایران پرداخته است، به همین دلیل این کتاب برای پژوهش پیش‌رو مفید می‌باشد.

طهماسب‌پور (۱۳۸۱)، نویسنده کتابی به نام «ناصرالدین، شاه عکاس (پیرامون تاریخ عکاسی ایران)»، می‌باشد. از جمله مباحث مهم و مطرح شده در این کتاب ورود دوربین عکاسی به ایران، علاقه و توجه ناصرالدین شاه به عکاسی، گزارش‌های تصویری و کاربرد عکاسی در کاوش‌های باستان‌شناسی می‌باشد. این اثر از منابع مهم تاریخ عکاسی ایران محسوب می‌شود.

فلوسر و همکاران (۱۳۹۸)، «تاریخنگاری و عکاسی (جستارهایی پیرامون عکس به مثابه سندی تاریخی)»، این اثر مجموعه مقالات است و شامل ۷ مقاله و ترجمه محمد غفوری می‌باشد. نویسندگان نگاهی متفاوت به عکس داشته و از منظر تاریخ‌نگاری و سندنگاری به عکس توجه می‌کنند.

اویسی (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه خود به نام «بررسی انسان‌شناسانه عکس در دوره قاجار»، به عکاسی می‌پردازد. نکته قابل توجه که این اثر را متمایز کرده از سایر پژوهش‌های انجام شده می‌باشد. نویسنده در فصل چهارم تحت عنوان انسان‌شناسی عکس دوره قاجار، در آن به مباحثی از قبیل عوامل گسترش عکاسی در ایران عصر قاجار، فرهنگ و عناصر بصری فرهنگی، عکاسی هنری، عکاسی شخصی و عکاسی مستند پرداخته است. نگاه متفاوت و جدیدی که نگارنده به عکس در دوره قاجار دارد برای پژوهش پیش‌رو اهمیت دارد.

شریف‌زاده (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای به نام «ناصرالدین شاه مشهورترین عکاس آماتور جهان»، به ورود عکاسی به ایران و علاقه ناصرالدین شاه به عکاسی و عکاسی از بناهای تاریخی می‌پردازد، که با توجه به مطالب مطرح شده در آن برای مقاله پیش‌رو دارای اهمیت می‌باشد.

عراقچیان و ستاری (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «عکاسی قاجار: نگاه شرقی، نگاه غربی»، به معرفی برخی از عکاسان غربی و سوژه‌های عکاسی می‌پردازند، از این جهت برای این مقاله دارای کاربرد می‌باشد.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده که برخی از موارد در اینجا ذکر شد، پژوهش حاضر با آنها متفاوت و نگاه جدیدی به موضوع عکاسی در عصر ناصری دارد. در این پژوهش سعی بر آن است تا براساس داده‌های موجود به عکاسی مستند و کاربردهایی که در زمان ناصرالدین شاه داشت، پرداخته شود.

۵.۱ وجه نوآورانه تحقیق

آنچه که در این نوشتار می‌توان به مثابه دستاورد بحث و وجه نوآورانه آن مطرح کرد این است که گرچه وجه غالب و گفتمان مسلط بر عکاسی دوره ناصرالدین شاه بر «رویکرد درباری» به آن و توجه به عکس به مثابه مولفه سرگرمی و تفنّن ادامه یافت اما ظهور عکاسی مستند که درصدد عمومی‌سازی و اجتماعی کردن سوژه‌ها و موضوعات محل عکس‌برداری بود، خود گواهی بر آن است که اساساً این وجه از مدرنیزاسیون و فرایند مدرن شدن از دربار نیز به گروه‌های اجتماعی و جامعه ایران نیمه دوم قرن نوزدهم انتقال داده شد. در این راستا می‌توان از بهره‌گیری از عکس به مثابه یک منبع مهم تاریخی در متون تاریخ‌نگارانه، روزنامه‌ها و ... یاد کرد که بازتاب اجتماعی برخی عکس‌ها از جمله عکس موسیو نوز بلژیکی و یا عکس بازرگانان با فرمان مشروطه و ... بنوعی در جریان‌سازی و تهییج عمومی برای وقوع مقدمات مشروطیت موثر بود.

۲. جایگاه عکس در دربار ناصرالدین شاه

سلسله قاجار در سال ۱۱۹۳ق. / ۱۷۷۹ م. روی کار آمد و تا سال ۱۳۴۴ق. / ۱۹۲۶ م. حکومت آن ادامه داشت. به علت اهمیت استراتژیک ایران برای قدرت‌های اروپایی، هیئت‌های مختلف سیاسی و نظامی از اروپا برای کسب امتیازات گوناگون و یا کسب منافع مادی به این سرزمین گسیل شدند. سفرهای آنها با آوردن آخرین دستاوردها و مظاهر تمدنی غرب همراه بود و دوربین عکاسی در طی همین سفرها به ایران آمد.

در اوایل سال‌های ۱۲۵۶ق. / ۱۸۴۰ م. اولین دوربین‌ها توسط ملکه ویکتوریا و تزار نیکلای اول به دربار محمدشاه هدیه شد. این دو دوربین به روش داگرتوتیپ کار می‌کرد (عراقچیان؛ ستاری، ۱۳۸۹، ش ۴۲، ۴۵ - ۵۶). اما در آن زمان به دلیل عدم آگاهی درباریان در مورد استفاده از آن، به صورت دست نخورده در انبارها باقی ماند، با ورود معلم فرانسوی ژول ریشار (Jules Richard) به ایران، این کار از سر گرفته شد (شریف‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۲۶، ۹۶ - ۱۰۳).

اگرچه در زمان محمدشاه قاجار، دوربین عکاسی به ایران آمد اما ناصرالدین شاه قاجار مهم‌ترین عامل در رواج عکاسی در ایران بود. وی نقش بارز و مهم‌تری در شناخت و توسعه هنر و پدیده عکاسی در ایران داشت.

بنابر سابقه تاریخی دو دستگاه دوربین و لوازم عکاسی (داگرتیپ) مذکور، در سال ۱۲۵۸ ق. / ۱۸۴۲ م. نیکولای پاولوف (Nikolaj Pavlov)، دیپلمات روسی، و در سال ۱۲۶۰ ق. / ۱۸۴۴ م. ژول ریشار، آنها را به کار انداختند و تصاویری بر روی صفحه نقره‌ای ثبت کردند (عدل، ۱۳۷۹، ش ۵ و ۶، ۵۸ - ۹۰). بنابر منابع موجود، ژول ریشار نقش کلیدی در شکل‌گیری هنر عکاسی در ایران داشت.

آشنایی ناصرالدین‌شاه، با عکاسی، زمینه‌ساز حضور گسترده عکاسی در ایران گشت. نخستین دستگاه عکاسی در ایران به ناصرالدین‌شاه تعلق داشت، چنانچه بعد از ملک‌قاسم میرزا او دومین ایرانی است که با عکاسی آشنا شد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۳۸).

علاقه ناصرالدین شاه به هنرهایی چون شعر، نقاشی و خوشنویسی بسیار زیاد بود و میل زیادی به ویژه به نقاشی داشت. شاید یکی از علل گرایش شدید او به عکاسی، نداشتن توانایی کافی یا عدم صرف وقت و حوصله لازم برای تمرین در طراحی و نقاشی باشد. افزون بر این‌ها، غریزه حُب‌ذات را که در میان پادشاهان و بزرگان ایران و جهان که در قالب نقاشی، پیکرتراشی و حجاری از تصاویر خود، متجلی می‌شد را نیز نباید از نظر دور داشت. از انگیزه‌های دیگر او برای پرداختن به عکاسی، دیدن آثار کسانی که در سال‌های آغاز سلطنت وی در هیئت‌های سیاسی - نظامی و یا افرادی که توسط دولت ایران به استخدام در آمده و به عکاسی می‌پرداختند، بود. از این افراد می‌توان به نام‌های اوگوست کرشیش، لویجی پشه، فوکتی، لویجی مونتابونه و جانوتسی اشاره نمود (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۱۸ - ۲۰).

ناصرالدین شاه در زمان ولیعهدی به واسطه زنی فرانسوی تازه مسلمان شده مشهور به «مادام عباس» با ژول ریشار آشنا گردید. مادام عباس جزء خدمتکاران حرم‌خانه شاهی بود و به پیشنهاد او ریشار در ۲۴ ذی‌القعدة ۱۲۶۰ ق. / پنجم دسامبر ۱۸۴۴ م. نزد ناصرالدین میرزا (شاه) می‌رود و عکس او را می‌اندازد. ریشار در خاطرات خود می‌نویسد: «شاه هر روز مرا برای برداشتن عکس خود و اهالی اندرون و شاهزادگان خواسته همه روزه مجبور بودم که به در خانه رفته، غفلت از انجام خدمات نداشته باشیم» (ژوله، ۱۳۸۴، ۴۳).

نگاهی به اهمیت عکاسی مستند و کاربردهای ... (محمد امیر احمدزاده) ۹

در اواخر عهد محمد شاه، ریشار با زحمات زیاد بر روی صفحه نقره عکس می‌انداخت (شهیدی، ۱۳۸۳، ۶۰۹). وی بعدها مسلمان شده و به نام میرزارضاخان مسمی گردید، در اواخر ۱۲۸۸ ق. نیز از طرف ناصرالدین شاه لقب خانی دریافت کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ۱۹۲۸/۳؛ شهیدی، ۱۳۸۳، ۶۰۷).

ناصرالدین شاه چند سال بعد نیز در دوران پادشاهی، عکاسی را از «فرانسیس کارلهیان» (Francis Carlhian) آموخت. شاه از وزیر وقت امین‌الدوله، خواسته بود که یک عکاس حرفه‌ای را برای آموزش ایرانیان استخدام کند؛ پس امین‌الدوله در مأموریتی به اروپا، کارلهیان را از پاریس به ایران آورد. وی که برای انتشار علم و عمل عکاسی با فرخ‌خان امین‌الدوله به تهران آمد، چاپ عکس به شیوه کلدیون را رواج داد (شهیدی، ۱۳۸۳، ۶۰۹). به این ترتیب، کارلهیان به رواج علم عکاسی در ایران کمک کرد.

تنوع و تعدد عکس‌های ناصرالدین شاه که در واقع نخستین مجموعه عکس از یک پادشاه ایرانی است، بیان‌گر علاقه فراوان وی به عکس و عکاسی است. به گزارش منابع ناصرالدین شاه در سفرهایش، در داخل و خارج از کشور همواره عکاس، وسایل عکاسی و تاریخ‌خانه سیار با خود همراه داشت، علاوه بر آن در سفرهای خارجی ناصرالدین شاه، عکاسان مطرح و ماهر اروپایی بارها از وی عکاسی کردند. آقارضاخان اقبال‌السلطنه ملقب به عکاس‌باشی، در سفر اول و دوم ناصرالدین شاه به اروپا از همراهان وی بود (ناصرالدین قاجار، ۱۳۷۱، ۳۴۶).

با توجه به یادداشت‌های شخصی ناصرالدین شاه به نظر می‌رسد که وی با روش‌های علمی و فنی عکاسی آشنایی داشت، وی در یادداشت‌های خود به روش ساخت داروهای عکاسی پرداخت. لازم به ذکر است که شاه یادداشت‌های مذکور را از روی نسخه آقارضا عکاس‌باشی نوشته بود (اسناد ملی ایران، ۱۳۲۹/۲۹۵).

۳. عکاسی مستند

موضوعات و سوژه‌های عکاسی در زمان ناصرالدین شاه دارای چند وجه غالب و مشخص بود، اولین و مهمترین سوژه عکاسی خود شاه، سپس زنان شاه و حرم‌سرا بود. پس از عمومی شدن عکاسی، موضوعاتی نظیر طبیعت، آثار تاریخی، مردم و غیره از این زمان وارد

حیطه عکاسی گردید. ثبت تصاویر بداهه و یکباره که به دستور ناصرالدین شاه ثبت می‌شد، نخستین عکس‌های مستند محسوب می‌شوند.

عکاسی در عصر ناصری را در یک تقسیم‌بندی متفاوت می‌توان به دو دسته عکاسی پرتره و مستند تقسیم کرد. عکاسی پرتره که از چهره اشخاص با ژست‌هایی که در عکاس‌خانه‌ها یا در فضای باز می‌گرفتند، گفته می‌شود. به سوژه‌های بکر نیز عکاسی مستند می‌گویند که در آن هنگام کاربردهای متعددی یافت.

در تعریفی جامع عکسی که از مشاهده عینی عکاس از واقعیت، بدون دخل و تصرف و دخالت عکاس و از آنچه هست و وجود دارد، گرفته می‌شود را عکس مستند می‌گویند. عکس به مثابه سند و در جایگاه یک سند، با گذشت زمان اهمیت خود را از جهت استنادی و تاریخی نشان می‌دهد.

عکاس حرفه‌ای جهت و هدف به موضوع عکس می‌دهد. اما عکاس مستند، فارغ از جهت و هدف آنچه هست را به نمایش می‌گذارد.

عکس‌های مستند و ارزیابی هنری و یا خصوصیات تکنیکی آن عکس‌ها، به دلیل جنبه‌های واقع‌نمایی صرفاً بصری موضوع مورد نمایش، توانسته‌اند با ثبت واقعیات تاریخی، اطلاعات ارزشمندی از تصاویر موجود را ارائه دهند (اویسی، ۱۳۸۸، ۱۲۴).

عکس‌ها منبعی از اطلاعات پیرامون گذشته را فراهم می‌کنند که از حیث سرشت و دامنه آن بی‌سابقه هستند. یک عکس به تنهایی در جایگاه یک سند می‌نشیند و مانند یک منبع بایگانی عمل می‌کند (فلوسر و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۵ و ۸۴).

در دوره ناصری، عکاسی مستند در دو مبحث عمده قابل بررسی است، نخست سوژه‌های عکاسی مستند و دوم کاربرد عکاسی مستند. موضوعات مهم عکاسی مستند در آن زمان شامل: مردم (رعیت)، آثار و بناهای تاریخی، طبیعت و موجودات می‌شد. عکاسی مستند در مواردی نظیر روزنامه‌نگاری و گزارش تصویری نیز کاربرد داشت. عکاسی به سرعت بخشی در روزنامه‌نگاری و شکل‌گیری گزارش تصویری یا به تعبیر امروزی خبرنگاری کمک فراوانی کرد. در ادامه به موارد ذکر شده که همگی حکایت از اهمیت استفاده از دوربین عکاسی و موارد گوناگون استفاده از آن را دارد، در دو بخش سوژه‌های عکاسی و کاربردهای عکاسی در عصر ناصرالدین شاه پرداخته می‌شود.

۱.۳ سوژه‌های عکاسی مستند

۱.۱.۳ رویکرد مردم‌نگارانه به مسئله تصویر

ورود به دنیای مدرن با اختراع دوربین عکاسی سرعت گرفت، به وسیله هنر عکاسی تغییرات پی در پی و گسترده جوامع ثبت شده‌است. انسان امروزی اگر دوربین عکاسی نبود، شاید کمتر تحولات سریع ۱۵۰ سال اخیر را درک می‌کرد.

عکس‌های زمان ناصرالدین شاه به دستور خود شاه و یا توسط برخی از عکاسان آن زمان گرفته شده‌است.

بررسی عکاسی مستند در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی هنری جوامع انسانی ضروری و حائز اهمیت می‌باشد. پس با توجه به اینکه کارکردهای عکاسی مستند، بسیار گسترده و گوناگون می‌باشد، عکاسی مستند را وارد عرصه‌های بزرگی از دانش بشری و تجربه زیستی او می‌نماید (اویسی، ۱۳۸۸، ۱۲۵).

عکس‌های به جای مانده از زمان ناصرالدین شاه خود شواهدی گویا از راه و رسم سنتی مردم آن دوران می‌باشد. ثبت تصاویر سبب شد تا به درک رویدادهای تاریخی، جنبه‌های زندگی و معیشت مردم، مراسم‌های مختلف اعم از جشن‌های آیینی و مذهبی، آداب و رسوم و ... کمک کند (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۵۳). به همین دلیل به عکاسی در عصر ناصری از جانب شاه و با تشویق و حمایت وی از سوی عکاسان توجه ویژه شد. این دستاورد در نخستین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه، اتفاق افتاد.

در واقع جذابیت عکس‌های زمان ناصری، جدای از اینکه این فاصله زمانی به چه مقدار است؛ بینندگان را در قدم اول در برابر گذشته خودشان قرار می‌دهد. گذشته‌ای که هر چند دستیابی به آن، امکان‌پذیر نیست اما نشانه‌هایی از آن در این عکس‌ها مشخص است (دهقان‌بنادکی، ۱۳۹۲، ش ۱، ۲۰ - ۲۷). عکس به راحتی می‌تواند تغییرات زندگی مردم از لباس زنان و مردان گرفته تا ابزار و وسایل معیشتی را نشان دهد.

برای مثال، لباس و کلاه بختیاری‌ها با توجه به عکس‌های به جای مانده در مقایسه با اکنون دچار تغییر شده‌است (آلمانی، ۱۳۳۵، ۱۰۲۸ - ۱۰۲۹).

تا قبل از ورود دوربین عکاسی به ایران، از مناطق مختلف جغرافیایی، فرهنگ‌ها، اقلیت‌های مذهبی، آداب و رسوم و غیره از طریق نوشته‌های مورخان و سفرنامه‌نویسان

اطلاعاتی به دست می‌آمد اما با آمدن دوربین عکاسی، داده‌های تاریخی از مناطق مختلف کشور مستند گردید.

عکاسی مستند به درستی نشان داد که مردم چگونه بودند؟ عکس‌های مردم در موقعیت‌های مختلف اجتماعی گرفته شدند، توجه به مشاغل نیز از آن جمله است که از نگاه برخی از عکاسان مخفی نماند. آقارضا عکاس باشی از آن دست عکاسانی بود که به این بخش از اجتماع نیز توجه داشت. وی سبکی متفاوت در عکاسی داشت که امروز با گذر زمان به لحاظ استنادی و از نظر مردم‌شناسی و مشاغل آن زمان دارای اهمیت است. عکاسی پرتره با دیدگاه رئالیستی مستند اجتماعی نمایان‌گر حرفه‌ها و طبقات اجتماعی ایران است. عکس‌های عمله گچ‌کار باغ طهران (آلبوم ۱۴۳)، کارگر ساختمانی با بیل و الک و چهارپایه (آلبوم ۱۶۱) نمونه‌ای از کارهای او می‌باشد (ستاری، ۱۳۸۲، ۶۰). (تصویر -۱).



تصویر-۱: پیرمرد (عمله گچ‌کار عمارت باغ تهران). (ستاری، ۱۳۸۴، ش ۲۳، ۲۲-۲۷).

عکس‌های پرتره محیطی که هولتسر از افراد، اقشار و اقلیت‌های مختلف ساکن اصفهان گرفته نیز بیشتر دارای ویژگی مستند اجتماعی - تاریخی هستند. وی از معدود عکاسان اروپایی است که در برخی از عکس‌های پرتره‌اش، از سوژه‌های زن غیرمسلمان عکاسی کرد. این سوژه‌های زن شامل خواهران راهبه کلیسای جلفا، دختران و زنان ارمنی، دختران دانش‌آموز ارمنی و اعضای خانواده‌اش (دو دختر و همسرش) می‌باشند، همچنین وی اولین عکاسی است که در دوره قاجار از عروس و دامادهای ایرانی (غیرمسلمان) عکس گرفت (عراقچیان؛ ستاری، ۱۳۸۹، ش ۴۲، ۵۶ - ۴۵).

تاریخ تصویری برخی شهرها و روستاهای ایران در قرن نوزدهم و بسیاری از رجال درباری و شخصیت‌های علمی و مذهبی، بارها و بارها در مقابل دستگاه عکس‌برداری آقارضا عکاس‌باشی، قرار گرفتند (طهماسب‌پور، ۱۳۸۹، ۲۹).

عکس‌برداری از زندانیان و مجرمین نیز از زمان ناصرالدین شاه در ایران رواج یافت، این دسته از عکس‌ها نیز با گذشت ایام اهمیت استنادی یافت. این تصاویر به صورت پرسنلی و به منظور تشکیل پرونده مجرمین تهیه نمی‌شد، بلکه تصاویری از زندانیان با غل و زنجیر بود که جنبه نمایشی داشت.

عکاسی از متهمین یا در بدو ورود به زندان (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۹، ۴۳۱). یا در طول دوران زندانی بودن، انجام می‌شد. حاج سیاح در خاطرات خود عکاسی از زندانیان که خود نیز مشمول آن شده را شرح داده‌است (در این باره رک: سیاح، ۲۵۳۶، ۳۶۰).

عکس از مراسم‌های مذهبی نیز گرفته می‌شد، از جمله تعزیه‌ای که با حضور ناصرالدین شاه و همسرش انیس‌الدوله و برخی دیگر از شاهزادگان و زنان حرم برگزار شد. در این مراسم به دستور ناصرالدین شاه، عکاس از حاضران مجلس عکس گرفت (سالور عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ۱/۵۱۴).

آقارضا عکاس‌باشی اولین ایرانی بود که از بقاع متبرکه همچون حرم و بارگاه حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس عکاسی کرد. وی چند ماه قبل از سفر به عتبات عالیات که از ۲۵ جمادی‌الثانی تا ذی‌الحجه ۱۲۸۷ ق. / ۱۸۷۰ م. صورت پذیرفت. عباسعلی بیک شاگرد خویش را روانه آنجا ساخت تا از آثار و ابنیه آن مکان و در طول آن مسیر از تهران تا مقصد عکس بگیرد (ستاری، ۱۳۸۴، ش ۲۳، ۲۲ - ۲۷).

در سال ۱۲۸۶ ق. چند قطعه عکس برای ناصرالدین شاه از صورت اهالی قفقاز ارسال گردید (اسناد ملی ایران، ۲۲۹۲/۲۹۵). ارسال این گونه عکس‌ها علاوه بر اینکه میزان توجه شاه را نشان می‌دهد، از جهت مردم‌شناسی نیز اهمیت دارد.

عکس‌های گرفته شده در زمان ناصرالدین شاه که توسط شاه، درباریان و عکاس‌بashi‌ها صورت می‌گرفت، به هدف پیش‌کشی و هدیه به شاه انجام می‌شد. بنابراین اگرچه از موضوعات مختلف از جمله مردم تهیه می‌شدند اما باید یادآوری کرد که مردم یا رعیت نقش کم‌رنگ‌تری در عکس‌ها داشتند.

با توجه به اهمیتی که به عکاسی از سوژه‌های مختلف داده می‌شد، گزارش‌های متعددی از زمان ناصرالدین شاه وجود دارد که نشان می‌دهد، سهم رعایا در سوژه‌های عکاسی کم بود و سوژه‌های انسانی بیشتر اعیان‌زاده‌ها و بزرگان بودند.

مادام دیولافوا که در زمان حکومت محمدحسن خان از کاشان دیدن کرده، وی نوشته است که

۱۰ - اوت چون رئیس تلگرافخانه ورود ما را به حاکم خبر داده بود او قبل از اینکه به دیدن ما بیاید چهار بار میوه از قبیل هندوانه و خربوزه و هلو و زردآلو با دو بره قشنگ به عنوان هدیه برای ما فرستاده بود... حاکم در مقابل این هدایا از ما تقاضایی کرده بود که عکس او را سواره بگیریم... ناچار به خواهش کودکانه او تن در دادیم... (مشتاقی نائینی، ۱۳۶۶، ۱۱۸).

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۹ ق. دستور عکاسی از دختر ایزک بیگ و خانواده‌اش در ساوجبلاغ را داد. در طی این دستور، رونوشت تلگراف امین‌السلطان به امیرنظام مبنی بر اعزام یک عکاس به ساوجبلاغ فرستاده شد و فرمان شاه انجام گردید، امیرنظام نیز عکس‌ها را به تهران ارسال کرد (اسناد ملی ایران، ۲۱۶۲۱/۲۹۶).

درصد اندکی از عکس‌های آن زمان به عکس‌های رعایا، عوام و زندگی فلاکت‌بار آن‌ها تعلق دارد. از آن‌جا که عکاسان، رجال، درباریان و اشراف بودند؛ بنابراین، سوژه‌های آنها نیز به خودشان و زندگی خودشان محدود می‌شد و طبیعی است که علاقه‌ای برای دیدن وضعیت بد مردم و جامعه نداشته باشند (ستاری؛ عراقچیان، ۱۳۸۹، ش ۴۲، ۴۵-۵۶).

این عکس‌ها به شکل واضحی صرفاً برای «دیدن» مملکت تحت قلمروی شاه بودند؛ بنابراین، در آرشیوی که در گفتمان سیاسی عکاسی و در دوره ناصری ایجاد گشت، مردم و یا

نگاهی به اهمیت عکاسی مستند و کاربردهای ... (محمد امیر احمدزاده) ۱۵

بهرتر است گفته شود، رعیت و رعیت زادگان طرد شده و کاملاً در حاشیه‌اند. به سخنی دیگر، نسبت به آن حجم تولید و انباشت عکس، مجال اندکی برای به تصویر درآمدن می‌یافتند (زین‌الصالحین؛ فاضلی، ۱۳۹۶، ش ۱، ۱۹-۴۷).

۲.۱.۳ ثبت تصاویر از آثار باستانی و تاریخی

ناصرالدین شاه در همان اوایل آشنایی با عکاسی به اهمیت این هنر در موارد گوناگون مملکتی پی‌برد و به همین دلیل بود که در این دوره علاوه بر عکس‌هایی که از خود می‌گرفت، عکاسی مستند نیز به سفارش او انجام می‌شد. این امر را می‌توان از مأموریتی که به ژول ریشار در سال ۱۲۶۶ ق. / ۱۸۴۹ م. برای عکس‌برداری از سنگ‌نگاره‌ها و بناهای تخت‌جمشید داد، دریافت (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۶۳).

ریشارخان از سوی ناصرالدین شاه مأموریت پیدا کرد تا از سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نبشته‌های تخت‌جمشید عکس و (نقشه) رولوه (releve) تهیه کند ولی متأسفانه او تا اصفهان پیشتر نرفت و به تهران بازگشت. با اینکه دانسته نیست او از چه روشی می‌خواست از رولوه استفاده نماید، ولی مسلماً در این کار خود می‌خواست از عکس‌برداری سود جوید (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵-۶).

این کار ۹ سال بعد به دست شخص دیگری به نام «لویی‌جی پشه» انجام گرفت و او برای نخستین بار آلبومی از عکس‌های تخت‌جمشید به سال ۱۲۷۴ ق. / ۱۸۵۸ م. تقدیم شاه ایران نمود (ذکاء، ۱۳۷۶، ۶).

افسر ایتالیایی لویی‌جی پشه وی با هزینه شخصی خود عکس‌هایی از بناهای تاریخی از جمله تخت‌جمشید تهیه کرد و در آلبومی به ناصرالدین شاه هدیه نمود. تصاویر تخت‌جمشید را می‌توان نخستین گزارش‌های تصویری ایران دانست که دارای تاریخی مشخص است. البته بعدها تصاویر فراوانی از بناهای تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی تهیه شد که به لحاظ تاریخی با فواصل گوناگون تهیه گردید. از جمله تصاویری از روستای «خوره» به سال ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۵۹ م. اثر کارل‌هینان، تصاویری از تخت‌جمشید مربوط به سال ۱۲۸۲ ق. / ۱۸۶۶ م. و تصاویری از نقش‌رستم هر دو اثر اویس میرزا و ... به چشم می‌خورد که البته از لحاظ تعداد آثار و موقعیت تاریخی هیچ یک به پای مجموعه تهیه شده توسط پشه نمی‌رسد (شریف‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۲۶، ۹۶-۱۰۳).

عکاسی از روستاها و اماکن مسکونی و آثار تاریخی از جمله سوژه‌هایی بود که در سفرهای ناصرالدین شاه به جاهای مختلف کشور و به دستور وی گرفته می‌شد (سالور عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ۸۰۵؛ ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲، ۵۷).

فرمان‌هایی در آلبوم‌های مجموعه آلبوم‌خانه کاخ گلستان وجود دارد که بیشتر به نام عبدالله قاجار، برای عکس برداری از ولایات گوناگون صادر شدند. از نکات جالب توجه در این فرمان‌ها، تأکید ناصرالدین شاه به حکمرانان محلی برای همراهی و حفاظت از عکاس و همراهانش و نیز سوژه‌های مورد نظر شاه، در طول سفر بود:

صاحب‌دیوان، عکس‌های توی کلات، اطراف کلات یعنی دهات معتبر لاین، آرچنگان و ... دهات و سرحدات کلات و سرخس، قلعه سرخس، میان سرخس، آبادی‌های عرض راه و اطراف ... همه را باید انشاءالله عکس بیندازد. علاوه بر آنها هم هر جا را خوب ببیند، بیندازد. کمال تقویت و همراهی را بکن، همه جا آدم و مستحفظ همراهش بفرست ... (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷، ۸۴).

در سفر به دوشان‌تپه، یکی از همراهان ناصرالدین شاه به نام اعتمادالحصره سنگ قبری را یافت که بعد از خواندن نوشته روی سنگ مشخص شد مربوط به سال ۴۶۰ ق. می‌باشد. شاه و عکاس وی، عکس از آن سنگ گرفتند (در این باره، رک: ناصرالدین قاجار، ۱۳۶۲، ۵۱-۵۲).

هانری بندر از مشاهدات خود از طاق بستان در کرمانشاه عکس گرفته و بعد از توصیف آنچه را که دیده می‌نویسند:

... ما عکس عمومی اینجا را برداشتیم تفصیل علمی این غارها را از راپورت مسیو فلاندن و مسیو کست استقراض می‌نمایم به جهت اینکه صحت او بیشتر است از آنچه خودم بتوانم بنویسم و گویا عکس‌های من برای فهمیدن آن کمک خوبی باشد (رک: بندر، ۱۳۲۰، ۳۱۹ - ۳۲۰).

مطالعه عمارات و ابنیه دوران قاجار و در مجموع مطالعه تاریخ ایران قرن سیزدهم قمری برابر با سده نوزدهم میلادی، بدون بررسی و رجوع به عکس‌های آن زمان ناقص خواهد بود. وجود عکس‌های تاریخی به جای مانده از دوران قاجار و به ویژه دوره مورد پژوهش (عصر ناصری) در مقایسه با وضعیت حاضر آثار تاریخی و باستانی، تغییرات و میزان فرسودگی و در بعضی موارد ترمیم و مرمت را در طی دو سده اخیر نشان می‌دهد.

سوروگین سراسر ایران را از اردبیل تا مشهد و از تهران تا یزد، زیر پا گذاشت و با امکانات یکسان، از مردم، مناظر، معماری و اشیاء عکس گرفت. عکس های وی در سفرنامه ها و داستان ها، فراوان استفاده می شد، اغلب بی آنکه نامی از وی به میان آید. عکس جالب توجه سوروگین از گنبد سلطانیه (تاریخ بنا: ۷۰۴-۷۱۳ ق. / ۱۳۰۵-۱۳۱۳ م.) چون مقبولیت عام داشته در آثار و کتاب های مختلف مکرر استفاده شده است. وی اگر به هنگام عکس برداری کسی را نمی یافت، از اشیایی چون دوربین و سه پایه برای القاء مقیاس به بیننده استفاده می کرد از آن جمله می توان از عکس هایی نام برد که از دروازه اصلی تخت جمشید گرفت. این امر ضمناً دال بر آنست که وی بیش از یک دوربین استفاده می نمود (استاین، ۱۳۶۸، ۲۷-۲۹).

۳.۱.۳ عکاسی از طبیعت و مناظر و موجودات

دیدن مناظر و طبیعت از سرگرمی های مورد توجه ناصرالدین شاه بود، شکارگاه ظل السلطان در نزدیکی رودخانه قم یکی از مناطق مفرجی بود که شاه قاجار به آنجا رفته بود. ناصرالدین شاه در این باره می نویسد: «سد محکمی در اینجا به رودخانه بسته اند که معروف به سد نیمور است اما ما به تماشای سد نرفتم اعتماد السلطنه و شاهزاده منوچهر میرزا رفته عکس سد را انداخته به حضور آوردند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، ۳۸).

شجاع الدوله حاکم قوچان آلبومی به ناصرالدین شاه هدیه کرد که شامل تصاویری نظیر اماکن و اشخاص می شد (اسناد ملی ایران، ۱۳۵ / ۹۹۸).

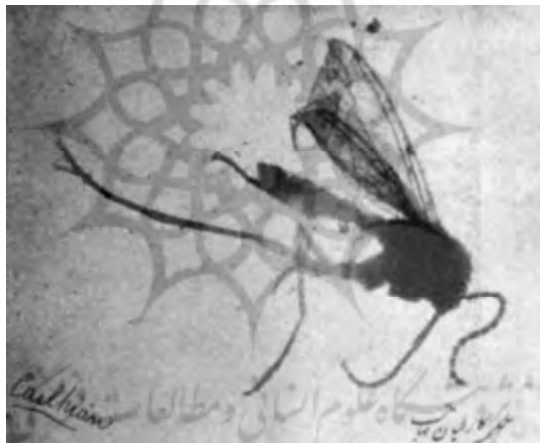
یکی از مهمترین سوژه های عکاسی مستند عکاسی از طبیعت و حیوانات است، این موضوع در زمان ناصرالدین شاه به وفور صورت می گرفت. عکاسی از حیوانات شکار شده از جمله تفریحات ناصرالدین شاه بود، «عکاس عکس سه رأس شکار که دیروز به شست مبارک صید شده بود می انداخت» (بجنوردی، ۱۳۷۴، ۶۸). در سفری دیگر که خوک شکار شده بود به دستور ناصرالدین شاه عکاس باشی، عکس آن را گرفت (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۲، ۱۷۳).

در قصر سلطنت آباد و ضمایم آن که بزرگ ترین عمارات ییلاقی ناصرالدین شاه در خارج از تهران بود، ساختمانی وجود داشت که شاه آن را «موزه تاریخ طبیعی» می خواند.

این موزه فقط از عکس حیوانات درست شده و تمام دیوارهای آن را از همین عکس‌ها پرکرده‌بودند (فووریه، ۱۳۸۵، ۱۸۳).

در واقع عکس‌ها را به نوعی می‌توان از تعلقات شاه دانست و عکاسی از هر موجود یا موضوعی به عنوان وسیله‌ای مفرح و سرگرم‌کننده برای ناصرالدین شاه، به شمار می‌آمد. گرفتن عکس از زنان، نوکران و خدمتکاران، دریا، حیوانات، طبیعت و ... همگی بیان‌گر یک مسئله است و آن اینکه شاه به عنوان مالک این سرزمین، همه موجودات آن در خدمت وی بودند.

در آلبوم ۲۴۲ کاخ گلستان عکس‌های شماره ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۴ به احتمال قوی با درشت‌نمایی زیاد از حشرات، میگو و یا خرچنگ گرفته شدند. تمامی این عکس‌ها که منحصراً امضای فرانسیس کارل‌هیان بر پای آنهاست، نشان‌دهنده توجه کارل‌هیان به عکاسی علمی (در ایران آن زمان) می‌باشد (ستاری، ۱۳۸۲، ۴۱). (تصویر-۲)



تصویر-۲: عکس از فرانسیس کارل‌هیان. مأخذ: (طهماسب‌پور، ۱۳۸۵، ۴۵).

۲.۳ کاربرد عکاسی مستند

۱.۲.۳ جایگزینی عکس به جای نقاشی در روزنامه‌نگاری

مطبوعات انتشار کتبی افکار و اندیشه‌های افراد و گروه‌هایی است که پیامی برای عموم مردم دارند، روابط گسترده‌ای را نیز در میان افراد، جامعه و دولت همواره فراهم می‌کند. مبادرت به انتشار جراید یکی از نخستین نشانه‌های تأثیر غرب در تمام خاورمیانه بود. برای

نگاهی به اهمیت عکاسی مستند و کاربردهای ... (محمد امیر احمدزاده) ۱۹

اولین بار در خاورمیانه، در زمان سلطنت محمدعلی پاشا در مصر انتشار روزنامه به منصفه ظهور رسید. در ایران نیز در زمان ناصرالدین شاه اولین روزنامه به نام کاغذ اخبار با تلاش میرزاصالح شیرازی یکی از نخستین دانشجویان اعزامی به اروپا منتشر گردید (کسروی، ۱۳۹۲، ۳۰-۳۱؛ الگار، ۱۳۶۹، ۱۹۴).

روزنامه کاغذ اخبار بعدها به دستور امیرکبیر پس از تغییراتی محسوس به نام وقایع اتفاقیه روزنامه رسمی تهران گردید و نخستین شماره آن، روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۱ م. در تهران انتشار یافت. این روزنامه هفتگی و چاپ آن سنگی و به تفاوت دارای سه یا دو ورق بود (شمیم، ۱۳۷۸، ۱۶۴).

انتشار روزنامه به عنوان یکی از مظاهر تمدنی غرب محسوب می شود، آن نیز تحت تأثیر عکاسی قرار گرفت، با استفاده از فنون عکاسی توانست چاپ سریع تر و بهتری داشته باشد. عکاسی، خدمت بزرگی به مصور کردن روزنامه‌های عصر ناصری کرد؛ کار پرتره‌نگاران قاجاری که مسئول مصور کردن روزنامه‌ها بودند، به کمک دوربین عکاسی به مراتب آسان تر شد و موجبات سهولت کار آنها را فراهم آورد. چراکه دیگر مجبور نبودند به‌طور مستقیم از سوژه مورد نظرشان نقاشی کنند، نقاشان پس از اینکه عکاس از سوژه عکس می گرفت به منظور شبیه‌سازی دقیق آن را کپی می کردند و بعد به کمک چاپ سنگی آن را در روزنامه‌ها می آوردند. بدین ترتیب امکان بیشتری برای تأثیرپذیری نقاشان از عکاسی فراهم شد (ابوالفتحی، ۱۳۹۱، ۱۲۵). در روشی دیگر پس از عکاسی از سوژه، نقاش از روی عکس منعکس شده در آینه به تصویرگری می پرداخت (نوری؛ کامرانی، ۱۳۹۵، ش 2، 57-70).

۲.۲.۳ ثبت گزارش به وسیله عکس یا خبرنگاری

هر عکاس، خبرنگاری است که خود از آن بی اطلاع است، او می تواند خبرنگاری خوب یا بد باشد، چشمانی باز داشته باشد و با ذوق و دقت نظر همه چیز را ببیند یا از برابر موضوعات بدون دیدن آنها بگذرد (شفائیه، ۱۳۵۱، ش ۱۲۴ و ۱۲۵، ۷۷-۸۱).

واژه خبرنگاری واژه‌ای جدید می باشد و دستاورد دنیای مدرن است، شاید بتوان عمر آن را برابر با روزنامه‌نگاری و تأسیس روزنامه دانست، اما ثبت خبر از زمان اختراع خط و کتاب وجود داشته است. به کار بردن کلمه خبرنگاری به این دلیل صورت گرفت که ثبت گزارش همان تعبیر دیگری از خبرنگاری است. در اصل ناصرالدین شاه هم برای ثبت خبر یک رویداد، عکاسی را به صحنه جنگ فرستاد.

یکی از اولین کوشش‌های ناصرالدین شاه برای به تصویر درآوردن صحنه‌های عملیات جنگی، اعزام عکاس فرانسوی به نام «هانری دوکولیبوف دوبلوکویل» به جبهه نبرد مرو در جنگ با ترکمن‌ها در سال ۱۲۷۷ ق. / ۱۸۶۰ م. به هدف عکسبرداری و نقاشی از میدان نبرد بود. اگرچه مأموریت بلوکویل به دلیل شکست سختی که سپاه ایران از ترکمن‌ها متحمل شد، قبل از هر اقدامی برای عکس‌برداری، ناکام ماند و خود وی نیز به مدت هیجده ماه به اسارت درآمد. اما باید دوراندیشی ناصرالدین شاه جوان را برای مأموریتی که به بلوکویل داد، علی‌رغم نافرجام ماندن آن، به نحو شایسته‌ای در نظر داشت (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۴۲ - ۴۳؛ قدیانی، ۱۳۸۷، ۱ / ۲۹۱).

مأموریت دوبلوکویل به جنگ مرو تقریباً هم دوره با اعزام «راجرفتون» به جنگ «کریمه» در طی سال‌های ۱۲۷۱-۱۲۷۲ ق. / ۱۸۵۵-۱۸۵۶ م. و عکاسی مستند از جنگ‌های داخلی آمریکا در طی سال‌های ۱۲۷۸-۱۲۸۲ ق. / ۱۸۶۱-۱۸۶۵ م. می‌باشد (شریف‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۲۶، ۹۶-۱۰۳). این دستور ناصرالدین شاه برای ثبت گزارش مستند از جنگ ناتمام ماند و تا سال‌های بعد هم تکرار نشد.

ناصرالدین شاه برای اردو عکاس تعیین کرده بود، به طوری که در سال ۱۲۸۱ ق. اردوی شاه عکاس داشت (اسناد ملی ایران، ۵۴۳۴ / ۲۹۵).

پس از ناکامی گفته شده، گزارش‌های تصویری، بیشتر به سمت سفرهای شاه، اوضاع جغرافیایی مناظر و مرایای طبیعی، بناها، شهرها، روستاها، کارگزاران حکومتی، رویدادهای مهم، زندانیان سیاسی و محکومان، مشاغل و یا دیگر جنبه‌های مردم‌شناسی گرایش یافت (چایچی‌امیرخیز؛ افضل‌زاده، ۱۳۹۲، ۵۲). به همین دلیل عکاسی مستند، به صورت «گزارش‌های تصویری» در سال‌های میانی سلطنت ناصرالدین شاه و به تدبیر خود او، شکلی رسمی به خود گرفت (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۴۳). ثبت گزارش‌های تصویری یکی از مهمترین اهداف ناصرالدین شاه قاجار بود.

۴. آلبوم‌خانه و آلبوم‌ها

یکی از گام‌های مهم در نگهداری عکس‌ها، راه‌اندازی مکانی مناسب برای حفظ آن آثار بود که در همان زمان ناصرالدین شاه، اتفاق افتاد. با افزایش امور عکاسی در دربار و تهیه و تولید فراوان عکس، آلبوم‌سازی و ارائه مطلوب عکس‌ها برای تقدیم به حضور شاه در

شکل‌هایی ویژه و منحصر به فرد، آغاز گردید و حاصل این کار، مجموعه بزرگ و نفیس آلبوم‌خانه کاخ گلستان در تهران می‌باشد (طهماسب‌پور، ۱۳۸۱، ۴۸).

تهیه آلبوم توسط عکاس‌خانه یا سفارش آن و یا مجموعه‌های اهدایی و ارسالی از ولایات یا سفارت‌خانه‌های ایران در خارج از کشور علاوه بر جنبه‌های هنری و زیباشناسی و سرگرمی دارای جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی و امثال آن بود (چایچی‌امیرخیز؛ افضل‌زاده، ۱۳۹۲، ۵۱).

آلبوم‌های بسیاری در کاخ گلستان وجود دارند، مانند آلبوم‌هایی که عبدالله قاجار از شاگردان و معلمان دارالفنون تهیه کرده بود یا آلبوم‌هایی به نام «ایل جلالی قاجار»، که به دستور ناصرالدین‌شاه از رجال، بزرگان، و کارمندان دیوانی تهیه شده بود (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷: ۹۴-۱۰۱).

آلبوم معروفی که از آن زمان در دست هست، آلبوم متروپولیتن است که شامل موضوعات متعددی می‌باشد. در این آلبوم سه عکس تک‌چهره از ناصرالدین‌شاه و نیز تعدادی عکس از خواجگان دربار وجود دارد. اما اکثر عکس‌ها گویای معماری آن دوران است. عماراتی چون کاخ‌های تشریفاتی، مساجد و تکایا، دروازه‌های شهر، عمارات دولتی و محل‌های مسکونی، مقابر، بقعه‌ها، گورستان‌ها و پل‌ها و نیز آثار و بناهای تاریخی (گشایش، ۱۳۷۷، ۱۰۸).

در ۱۳۹۸ ق. / ۱۹۷۸ م. گزیده‌ای از عکس‌های موجود در آلبوم‌های کتابخانه سلطنتی تهیه شد. آلبوم‌های مزبور حاوی نسخه‌های اصلی حدود بیست هزار عکس است که ناصرالدین‌شاه گردآوری کرده و شامل تصاویری از خانواده‌های سلطنتی اروپا، زنان حرم‌سرای سلطنتی، ره‌آوردهای دیدار شاه از شهرهای مختلف ایران، پرتره‌هایی از شخصیت‌های طراز اول کشور، تصاویر شاه و ملتزمانش در مراسم شکار و نیز پورنوگرافی‌های اروپایی است. این مجموعه منتخب از عکس‌هایی که شاه و درباریان وی گرفته و یا جمع‌آوری کرده‌اند با مقدمه کوتاه تاریخی و نیز یادداشت‌های شخصی ناصرالدین‌شاه برای تعیین موضوع و مشخصات عکس‌ها، قرار داده، منتشر شده است. در کتاب مزبور، همچنین فهرستی از آلبوم‌های عکس شامل شماره کتاب، اندازه آلبوم، تعداد عکس‌ها، شرح روی جلد آلبوم، تاریخ (در صورت وجود) و مشخصات هر عکس دیده‌می‌شود (استاین، ۱۳۶۸، ۱۴-۱۵).

امروزه آلبوم‌خانه کاخ گلستان که بیشتر یادگار دوران ناصری است، از نظر شهریار عدل شاید در یک دست بودن و قدمت یک رقیب بیشتر در دنیا ندارد و آن هم در مجموعه پادشاهی بریتانیا است (عدل، ۱۳۸۰، ش ۱۷، ۳۲۲-۳۷۵).

مجموعه عکس‌های ناصرالدین شاه از بانوان حرم معروف به «بیوتات»، در آلبوم‌خانه کاخ گلستان به صورتی کاملاً خصوصی و تقریباً غیرقابل دسترسی نگهداری می‌گردد (طایی، ۱۳۸۷، ش ۱۲، ۱۶۴-۱۸۱).

تقلید شاهزادگان و اشراف و مقامات بلندپایه در عکاسی و تهیه آلبوم‌های مختلف از جمله آلبوم‌های خانوادگی (طهماسب‌پور، ۱۳۸۷، ۵۸). از زمان ناصرالدین شاه شروع شد. از طرفی رقابتی که شاهزادگان، درباریان و عکاسان در تهیه آلبوم و هدیه به شاه داشتند، در ایجاد آلبوم‌های متعدد، نقش مهمی داشت.

علاوه بر مجموعه عکس‌هایی که به کوشش ناصرالدین شاه و عکاسان مرتبط با وی جمع‌آوری گردید، دو مجموعه کوچک‌تر اما ارزشمند از عکس‌های عصر ناصری نیز وجود دارد که یکی مربوط به مادرش مهدعلیا و دیگری برای فرزندش ظل‌السلطان می‌باشد. اگرچه با توجه به زمان فوت ظل‌السلطان بخشی از عکس‌ها مربوط به زمان بعد از ناصرالدین شاه می‌باشد اما چون تهیه عکس‌ها از زمان ناصرالدین شاه شروع شد، شرحی بر عکس‌های وی نیز در اینجا داده می‌شود.

در فهرست آنچه که به عنوان ماترک مهدعلیا ثبت شده آلبوم تصویر عکسی موجود است که مشخصات آن از این قرار است: ۹۶ ورق در دو جلد، یکی ۵۰ ورق و دیگری ۴۶ ورق (نوابی، ۱۳۸۳، ۲۸۳).

در بین هزاران عکس موجود در آرشیو عکس مؤسسه مطالعات معاصر، بیش از هشتصد قطعه عکس مربوط به ظل‌السلطان، شامل شانزده عدد آلبوم شخصی و تعدادی عکس‌های پراکنده موجود است. این مجموعه نیز منبعی پر ارزش در مطالعه دوره قاجار و بررسی دوران آغاز عکاسی در ایران، می‌باشد. اغلب این آلبوم‌ها با روکشی از پارچه مخمل به رنگ‌های قرمز و سبز و سرمه‌ای جلد شده‌اند و نام ظل‌السلطان در میانه آنها به چشم می‌خورد. تعداد تقریبی عکس‌های موجود در آلبوم‌ها بالغ بر ششصد قطعه و غالباً متعلق به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ق. / ۱۸۸۲-۱۹۰۲ م. هستند. موضوعات عکس‌ها شامل: ظل‌السلطان، فرزندان وی، ارتش مجهز و معروف ظل‌السلطان، ییلاقات و شکارگاه‌ها و

املاک ظل‌السلطان، عمده‌درباری و رعیت ظل‌السلطانی، سوغات‌های وی از فرنگ، لاشه‌های شکار از موضوع‌های قابل توجه این عکس‌ها هستند. وجود دست‌نوشته‌های ظل‌السلطان در زیر هر عکس که عنوان موضوعی عکس‌ها را تا حدودی روشن می‌سازد، بر اعتبار سندیت آنها می‌افزاید. مجموعه عکس‌های ظل‌السلطان به مرور ایام رنگ باخته و به زردی گراییده است. این عکس‌ها بیشتر به شیوه آلبومین (Albumen Print) با سفیده تخم مرغ، روش معمول عکاسی در سال‌های ۱۲۷۱-۱۳۱۳ ق. / ۱۸۵۵-۱۸۹۵ م. چاپ شدند (دمندان، ۱۳۷۹، ش ۱۳ و ۱۴، ۲۴۵-۲۸۴).

۵. نتیجه‌گیری

دوربین عکاسی از همان آغاز ورود به ایران مورد توجه و علاقه ناصرالدین شاه قرار گرفت. نخستین سوژه‌های عکاسی در ابتدا خود شاه و زنان حرم‌سرا بودند. ناصرالدین شاه به عکاسی از سوژه‌های بداهه در سفرهایش توجه داشت، همین علاقه، به دو فرمان شاه برای عکاسی از صحنه جنگ مرو و آثار تاریخی تخت‌جمشید انجامید. این دو دستور با ناکامی در دست‌یابی به نتیجه پایان یافت، اما در سال‌های بعد عکاسی از تخت‌جمشید توسط فرد دیگری صورت گرفت.

از سویی دیگر، عکاسی در ابتدا تنها در اختیار دربار بود و عکاسان هم درباری و تعدادی نیز خارجی بودند، به همین میزان هم سوژه‌های عکاسی نیز محدود بود. زمانی که عکاسی از انحصار دربار خارج شد، به تدریج سوژه‌های متعددی وارد موضوعات عکاسی گردید.

عکاسان مختلف که از علاقه شاه به عکاسی خبر داشتند، عکس‌هایی که از سراسر کشور تهیه و به عنوان هدیه به شاه تقدیم می‌کردند که موضوعات عمده این عکس‌ها طبیعت، مناظر، بناها و حیوانات بودند، در بعضی موارد محدود رعیت را شامل می‌شد. ارسال این هدایا و تهیه عکس توسط شاه و عکاسان وی زمینه‌ساز تأسیس آلبوم‌خانه‌ای برای نگهداری عکس‌ها گردید.

عکاسی از سوژه‌های بکر و بداهه، از موضوعات و مضامین مختلف بدون دخالت عکاس از نگاه نگارنده عکاسی مستند نامیده می‌شود. به دلیل کاربرد عکاسی مستند در

بخش گزارش تصویری و روزنامه‌نگاری در عصر ناصری، دارای اهمیت بود که گامی در جهت عکاسی حرفه‌ای محسوب می‌شود.

کتاب‌نامه

- آرشیو اسناد ملی ایران، ۱۲۸۶ ق، ۲۹۵/۲۲۹۲، ۳ برگ.
- آرشیو اسناد ملی ایران، ۱۳۰۹ ق، ۲۹۶/۲۱۶۲۱، ۲ برگ.
- آرشیو اسناد ملی ایران، بی‌تا، ۱۳۵/۹۹۸، ۱ ج.
- آرشیو اسناد ملی ایران، ۱۲۸۱ ق، ۵۴۳۴/۲۹۵، ۱ برگ.
- آرشیو اسناد ملی ایران، ۱۲۸۵-۱۲۸۸ ق، ۷۲۲۹/۲۹۵، ۲۶۸ برگ.
- آلمانی، هانری رنه د (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- ابوالفتحی، مهدخت (۱۳۹۱)، *تاریخ مستند عکاسی دوره ناصری (با تکیه بر اسناد و مدارک آرشیوی)*، پایان‌نامه مدرک کارشناسی ارشد تاریخ، تهران: دانشگاه تهران.
- احمدی، بهرام (۱۳۹۲)، «مروری بر هنر عکاسی دوران قاجار و تأثیر آن بر نقاشی»، چیدمان، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۲-۶۸.
- استاین، دانا (۱۳۶۸)، *سراغاز عکاسی در ایران*، ترجمه ابراهیم هاشمی، تهران: اسپرک.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۳)، *تاریخ منظم ناصری*، تهران: دنیای کتاب، ج ۳.
- الگار، حامد، (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- اویسی، نیلوفر (۱۳۸۸)، *بررسی انسان‌شناسانه عکس در دوره قاجار*، پایان‌نامه مدرک کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- بجنوردی، سهام‌الدوله (۱۳۷۴)، *سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی*، تصحیح قدرت‌الله روشنی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بندر، هانری (۱۳۲۰ ق) *سیاحت‌نامه هانری بندر در کردستان و بین‌النهرین و ایران*، ترجمه محمود طبیب، کتابخانه مجلس: شماره مدرک ۵۲۲۹-۱۰.
- چایچی‌امیرخیز، احمد؛ افضل‌زاده، پروین (۱۳۹۲)، *دیمیتری یرماکف، عکاس میراث فرهنگی و باستان‌شناسی*، تهران: سمیرا.
- دمندان، پریسا (۱۳۷۹)، «ظل السلطان»، تاریخ معاصر ایران، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، صص ۲۴۵-۲۸۴.

نگاهی به اهمیت عکاسی مستند و کاربردهای ... (محمد امیر احمدزاده) ۲۵

- دهقان بنادکی، مجتبی (۱۳۹۲)، «ماهیت فلسفی عکس (یا زنان دربار ناصرالدین شاه در عکس چه می‌کنند؟)»، چیدمان، سال اول، شماره ۱، صص ۲۰ - ۲۷.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶)، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام ایران، تهران: علمی و فرهنگی.
- زین‌الصالحین، حسن؛ فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۶)، «عکس، گفتمان، فرهنگ تحلیل تاریخی کارکردهای گفتمانی عکس در ایران»، رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۹ - ۴۷.
- ژوله، تورج (۱۳۸۴)، شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران، تهران: شرکت سهامی فرش.
- سالور عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ج ۱.
- ستاری، محمد (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی میان آثار اقبال‌السلطنه اولین عکاس حرفه‌ای ایران و تنی چند از معاصرین وی در جهان، رساله دکتری پژوهش هنر، تهران: دانشگاه هنر تهران.
- ستاری، محمد (۱۳۸۴)، «آقارضا اولین عکاس حرفه‌ای پرتره در ایران»، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۲۳، صص ۲۲ - ۲۷.
- سلماسی، کاتیا (۱۳۸۳)، «سایه‌ای در عکاسی ایران (سایه سیمای زن در ایران)»، بخارا، شماره ۳۵، صص ۲۲۸ - ۲۱۹.
- سیاح، حمید (۲۵۳۶)، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر، ج ۲.
- شریف‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۴)، «ناصرالدین شاه مشهورترین عکاس آماتور جهان»، هنرنامه، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۹۶ - ۱۰۳.
- شفائیه، هادی (۱۳۵۱)، «عکاسی (عکس، شاهد زمان)»، هنر و مردم، شماره‌های ۱۲۴ و ۱۲۵، صص ۷۷ - ۸۱.
- شمیم، علی اصغر، (۱۳۷۸)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبر، ج ۸.
- شهیدی، حسین (۱۳۸۳)، سرگذشت تهران، تهران: راه مانا.
- طایی، پروین (۱۳۸۷)، «بررسی نقش زنان در عکاسی دوره قاجار»، بیناب، شماره ۱۲، صص ۱۸۱ - ۱۶۴.
- طهماسب‌پور، محمدرضا (۱۳۸۱)، ناصرالدین شاه عکاس (پیرامون تاریخ عکاسی ایران)، تهران: تاریخ ایران.
- طهماسب‌پور، محمدرضا (۱۳۸۵)، ایتالیایی‌ها و عکاسی در ایران، تهران: فو.

طهماسب‌پور، محمدرضا (۱۳۸۹)، *از تفره و نور (جستارهایی در تاریخ عکاسی ایران)*، تهران: تاریخ ایران.

طهماسب‌پور، محمدرضا (۱۳۸۷)، *ناصرالدین، شاه عکاس (پیرامون تاریخ عکاسی ایران)*، تهران: تاریخ ایران، چ ۲.

عدل، شهریار (۱۳۷۹)، «آشنایی با سینما و نخستین گامها در فیلمبرداری و فیلمسازی در ایران»، فصلنامه طاووس، شماره ۵ و ۶، صص ۵۸ - ۹۰.

عدل، شهریار (۱۳۸۰)، «نقد و بررسی کتاب فرزاد (۱۵): آشنایی با سینما و نخستین گامها در فیلمبرداری و فیلمسازی در ایران ۱۲۷۷ تا حدود ۱۲۸۴ ش. / ۱۸۹۹ تا حدود ۱۹۰۵ م.»، بخارا، ش ۱۷، صص ۳۲۲ - ۳۷۵.

عراقچیان، مهدی؛ ستاری، محمد (۱۳۸۹)، «عکاسی قاجار: نگاه شرقی، نگاه غربی»، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۴۲، صص ۵۶ - ۴۵.

فلوسر، ویلم و همکاران (۱۳۹۸)، *تاریخنگاری و عکاسی (جستارهایی پیرامون عکس به مثابه سندی تاریخی)*، ترجمه محمد غفوری، تهران: آگه، چ ۲.

فووریه (۱۳۸۵)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: علم.

قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۶۲)، *سفرنامه عراق عجم (بلاد مرکزی ایران)*، تهران: تیرازه.

قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۷۲)، *شهریار جاده‌ها*، تصحیح محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۷۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان*، تصحیح فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۷۱)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*، مصححان فاطمه قاضیها و محمد اسماعیل رضوانی، تهران: رسا.

کسروی، احمد، (۱۳۹۲)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: آدینه سبز.

گشایش، فرهاد (۱۳۷۷)، *عکاسی از تاریخ تا تکنیک*، تصحیح حسین محسنی، تهران: عفاف، چ ۲.

مشتاقی نائینی، علی بن محمد (۱۳۶۶)، *گزارش کویر، سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تحفة الفقراء)*، تهران: اطلاعات.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *مه‌علیا*، تهران: اساطیر.

نوری، ساراالسادات؛ کامرانی، بهنام (۱۳۹۵)، «واقع‌نمایی از عکاسی تا نقاشی و چاپ سنگی دوران قاجار» فصلنامه مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۲، صص ۵۷ - ۷۰.